



نقد و بررسی زبان‌شناختی و شگردهای به‌کاررفته در ترجمهٔ رمان "اللیل فی نعمائه"

محمدنبی احمدی *

(نویسندهٔ مسئول)

دانشیار زبان عربی، دانشگاه رازی،

کرمانشاه، ایران

Email: mn.ahmadi217@yahoo.com



حمزه بیغال **

دانشجوی کارشناسی‌ارشد مترجمی عربی، دانشگاه رازی،

کرمانشاه، ایران

Email: hamzeh.bighal@gmail.com



چکیده

یکی از راه‌های تبادل فرهنگی در جوامع، عنصر ترجمه است. بهره‌گیری از زبان‌شناختی و شگردهای ترجمه، موجب پدیداری ترجمه‌ای روان، قابل فهم و همچنین پیشرفت اهداف علمی، اجتماعی و انسان‌شناسی می‌شود. برخی از شگردهای ترجمه، مبتنی بر نگرش مونیلا و البیر (۲۰۰۲) عبارتند از: اقتباس، بسط، وام‌گیری، گرده‌برداری، توصیف، معادل‌یابی، جایگزینی، جابجایی، تخصیص و ... پژوهش حاضر، طبق نظریه‌های زبان‌شناختی و شگردهای ترجمه، همانند نظریهٔ رومن یاکوبسن (۱۹۵۹/۲۰۰۰:۱۱۴) به نقد و بررسی رمان "اللیل فی نعمائه" تألیف زید الشهید پرداخته است. ایلیا آل خمیس در ترجمهٔ این رمان، به‌خوبی از پس ترجمه‌های توصیفی-تحلیلی برآمده، و برخی از واژه‌ها را بر اساس ساخت دستوری یا مشابه بودن در موقعیت ترجمه کرده و از ترجمهٔ مستقیم بین‌زبانی یا ترجمهٔ واقعی کلمه، از زبانی ملفوظ به یک زبان ملفوظ دیگر استفاده کرده است؛ اما برخی از واژه‌ها را تحت‌اللفظی ترجمه کرده؛ حتی برخی از جمله‌ها را حذف یا تقطیع کرده است؛ که مناسب و همگام با سیاق رمان نیست. همچنین در ترجمهٔ این رمان، از روش‌های ترجمهٔ غیرمستقیم کمتر استفاده شده و از شگردهای ترجمه (معادل‌یابی، همانندسازی، جایگزینی و...) به‌درستی و در جای مناسب استفاده نشده است؛ که باعث پایین آمدن بار ادبی رمان شده است. این پژوهش بنابر نظریه‌های زبان‌شناختی و با بهره‌بری از شگردهای ترجمه، ترجمهٔ مذکور را مورد بحث و بررسی گذارده و برخی از واژه‌ها را برابریابی یا جایگزین کرده و در صدد بیان کاستی‌های موجود در رمان برآمده است؛ تا رمان را پرمحتوا جلوه دهد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

زبان‌شناسی، شگردهای

ترجمه؛ اللیل فی نعمائه؛ زید

الشهید؛ ایلیا آل خمیس

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.320171.817 کلیه حقوق محفوظ است ۱۴۰۰

احمدی، محمدنبی، بیغال، حمزه. (۱۴۰۰). نقد و بررسی زبان‌شناختی و شگردهای به‌کاررفته در ترجمهٔ رمان "اللیل فی نعمائه".

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۱)، ۱، ۱۱۵-۱۲۶.

Ahmadi, Mohammad-Nabi, Bighal, Hamzeh (2021). Linguistic Review and Techniques Used in Translating the Novel "Al-Layl Fi Nima'a". *Journal of Foreign Language Research*, 11 (1), 115-126.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.320171.817

* نویسندهٔ بیشتر از ۳۰ مقاله علمی پژوهشی / نویسندهٔ بیشتر از ۵۰ همایش بین‌المللی و ملی / مسئولیت‌های مختلف / عضویت در کارگروه‌های مختلف / تألیف چند کتاب / راهنمایی و مشاوره بیشتر از ۳۰ پایان‌نامه.

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد مترجمی زبان عربی / فعال در امور زبان‌شناسی قرآنی و مسائل فرهنگی / مترجم چندین مقاله از عربی به فارسی.



Linguistic Review and Techniques Used in Translating the Novel "Al-Layl Fi Nima'a"



Mohammad-Nabi Ahmadi*

(corresponding author)

Associate Professor of Arabic Language, University of Razi,
Kermanshah, Iran

Email: mn.ahmadi217@yahoo.com



Hamzeh Bighal**

MA student in Arabic Language Translation, University of Razi,
Tehran, Iran

Email: hamzeh.bighal@gmail.com

ABSTRACT

One of the ways of cultural exchange within society is translation. By virtue of linguistic and translation techniques, one can create fluent and understandable translations as well as advance scientific, social, and anthropological goals. There are a wealth of translation techniques among which are adaptation, expansion, borrowing, borrowing, description, equivalence, substitution, transposition, allocation drawing on Monila Valiber' theory (2002). Drawing on linguistic theories and translation techniques such as the theory of Roman Jacobsen (1959/114: 2000), the current research is intended to criticize the novel "Al-Layl fi Nama'a" written by Zayd al-Shahid. In translating the novel, Iliya Al Khamis has coped quite well with the descriptive-analytical translations; in addition, he has translated some words based on grammatical constructions or situational similarities. The translator has also undertaken interlingual or real-life translation techniques. Nonetheless, some of the words have been translated literally. Some of the statements have been broken apart or even eliminated. This is somewhat contrary to the outline of a novel. Indirect translation is less frequently used. Moreover, translation techniques such as equivalence, copying, and substitution are not used in an appropriate fashion. This all has damaged the literary load of the novel. The present research has come to analyze the translation of the aforementioned novel. It has also made proper equivalents or substitutions in order to eliminate the drawbacks within the novel.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.320171.817

© 2021 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received:

9th, April, 2021

Accepted:

14th, June, 2021

Available online:

Spring 2021

Keywords:

Linguistics, Translation Techniques, Al-Layl in Nima'a, Zaid al-Shahid, Ilyya Al-Khamis

Ahmadi, Mohammad-Nabi, Bighal, Hamzeh (2021). Linguistic Review and Techniques Used in Translating the Novel "Al-Layl Fi Nima'a". *Journal of Foreign Language Research*, 11 (1), 115-126.
DOI: 10.22059/JFLR.2021.320171.817

* Author of More than 30 scientific articles / Author of More than 50 national and international and international responsibilities / membership in different workgroups / filing of several books / guidance and advice greater than 30 theses.

** MA Student in Arabic Translator, active in linguistics of Quranic sciences and cultural issues, translator of several articles from Arabic to Persian.

واکاوی و پردازش شوند، این کار نیازمند روشی منظم و شایسته است تا بتواند بر مخاطب، اثربخشی مناسبی بگذارد. از این رو زبان و ترجمه با منطق ارتباط زیادی دارد. در نتیجه ترجمه بدون دانستن زبان ناممکن و زبان بدون دانستن ترجمه نامفهوم است (منافی اناری، م ۲۰۰۵، ش ۱۳۸۴: ۷۶).

از نظر مالون^۲ (۳:۱۹۸۸) همه جنبه‌های زبان‌شناختی، کاربرد یکسانی در ترجمه ندارند. با توجه به نوع ارتباط مکانی، زمانی و اجتماعی که در بین زبان وجود دارد، می‌توان معادل‌های ترجمه‌ای را، حتی در بین زبان‌ها یا لهجه‌ها به کار برد. ترجمه فرایندی است که در آن مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد سرو کار دارد و هر کدام از زبان مبدأ و مقصد از نظر زبان‌شناختی، ساختار و ویژگی‌های گوناگونی دارد. پس مترجم باید با هر دو زبان آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند ترجمه‌ای روان و مخاطب‌پسند ارائه دهد. ترجمه، در اساس بر پایه دو مهارت عمده درک مفهوم از زبان مبدأ و بیان آن در زبان مقصد استوار است. درک به معنای آشنایی با زبان مبدأ در حد استخراج جنبه‌های مختلف معنا از متن و بیان، به معنای بازنویسی مفهوم انتزاع شده از متن اصلی بر اساس معیارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد است (ناظمیان، م ۲۰۱۰، ش ۱۳۸۹: ۷).

طبق نظریه نایدا و تیرر^۳ (۱۲:۱۹۶۹) ترجمه باید پیام زبان مبدأ را در نزدیک‌ترین معادل از نظر معنا و سبک به زبان مقصد برساند. پس مترجم باید برابری معنایی و ساختاری بسیاری را گزینه کند؛ تا معنی درست و دقیقی از متن مبدأ به زبان مقصد ارائه دهد. بنابراین، ترجمه به کار بردن واژه‌ای با واژه معادل آن نیست، بلکه ممکن است گاهی مترجم عبارتی را کوتاه و تقطیع کند و یا آن را بسط و توضیح دهد. از دیدگاه نیومارک^۴ (۱۱۳:۱۹۸۲) ترجمه از قانونی پیروی نمی‌کند، چون قوانین استثنا ناپذیرند، اما می‌توان گفت مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مطرح شده که با به کارگیری آنها، می‌توان ترجمه‌ای روان و مخاطب‌پسند ارائه داد.

در دیدگاه جولیا فالک^۱ (۵:۱۹۷۳) یکی از ویژگی‌های عمده امتیاز انسان بر دیگر موجودات است که موجب ریختگری پیوند میان انسان‌ها می‌شود؛ اما زبان به تنهایی نمی‌تواند این پیوند را پدید آورد، در این میان عنصر ترجمه، بهترین وسیله برای برقراری این پیوند است. ترجمه در طول تاریخ، همواره مورد توجه خاص و عام بوده و به عنوان یکی از ابزارهای وابستگی بشر مورد توجه قرار گرفته است (معروف، م ۲۰۱۱، ش ۱۳۹۰: ۷).

فرایند ترجمه از زمان‌های بسیار دور، از زمان پیدایش آن تا امروز دچار دگرگونی‌های اندکی شده، تا آنجا که می‌توان گفت، همواره ثابت مانده است. یک مترجم، همواره بخش‌هایی را از یک متن گزینه می‌کند، این گزینه‌ها، بنا به شیوه و سبک مترجم و هدف مترجم از ترجمه؛ اندازه‌های متفاوتی دارند که با بخش‌های معادل زبان مقصد، جایگزین می‌شوند، در حالی که مترجم می‌کوشد در این فرایند جایگزینی، معیارهایی را (آگاهانه یا ناآگاهانه) رعایت کند. (دوستی‌زاده و بدیعی، م ۲۰۱۷، ش ۱۳۹۶: ۴۰۸)

بنابراین، از همان خلقت انسان، عنصر ترجمه مورد استفاده واقع شده است؛ آنگاه که قابیل پس از کشتن برادرش هابیل دچار مشکل شد؛ خداوند کلاغی را مأمور کرد تا چگونگی دفن جسد را برای قابیل ترجمه کند. (فبعث الله غرابا یبحث فی الأرض لیریه کیف یواری سوءه أخیه) (مائده/۳۱) «سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند». این یک نوع ترجمه میان-نشانه‌ای (قلب ماهیت) یا ترجمه یک نظام نشانه‌ای، به یک زبان ملفوظ است.

در فکر انسان، انبوهی از افکار و تصاویر نامنظم انباشته شده که همچون یک گالری است تابلوهایی نامنظم در آن چیده شده است، برای برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم باید این تصاویر و تابلوها را منظم کرد و به صورت مفهومی واضح کنارهم چید، تا بتوان به صورت زبان ترجمه انتقال داد. برای این کار باید داده‌های موجود در ذهن انسان

^۲ Joseph L. Malone

^۳ Nida and Taber

^۴ P. Newmark

^۱ Julia S Falk

پرسش‌های پژوهش

۱- ترجمه مذکور تا چه اندازه از نظر زبان‌شناختی معنایی و کاربردی موفق عمل کرده است؟

۲- ترجمه مذکور تا چه اندازه از شگردهای ترجمه (برابریابی، همانندسازی، جایگزینی و...) استفاده کرده است؟

۲- پیشینه پژوهش

در باره نقد زبان‌شناختی ترجمه، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

سالار منافی اناری (۲۰۰۵.م.۱۳۸۴ش) در مقاله «رویکردی زبان‌شناختی به ترجمه» به مشترکات و ارتباط بین زبان و ترجمه از منظر زبان‌شناسی پرداخته است.

محمد راسخ مهند (۲۰۰۸.م.۱۳۸۷ش) در مقاله «نقد و بررسی جنبه‌هایی از زبان‌شناسی ایرانی» بیست مقاله در باره جنبه‌های زبان‌شناسی ایرانی را که سال (۲۰۰۵.م.۱۳۸۴ش) در لایپزیک آلمان ارائه شده بود، مورد بررسی قرار داده است.

غلامعباس سعیدی (۲۰۱۲.م.۱۳۹۱ش) در مقاله «بررسی زبان‌شناختی تناسب آیات بر پایه اصل همکاری گرایس» با بهره‌گیری از اصل همکاری گرایس، به تناسب آیات قرآن دقت نظر داشته و سعی کرده است برای تناسب‌گریزی ظاهر آیات، توجیهی زبان‌شناختی و بلاغی ارائه دهد.

محمد رضا هاشمی و امیر داوود حیدرپور (۲۰۱۳.م.۱۳۹۲ش) در مقاله «مبانی معناشناختی نقد ترجمه در ایران معاصر (۱۳۵۷-۱۳۳۰ش)» نشان می‌دهد که مبانی معناشناختی به‌کار گرفته شده در نقدهای ترجمه قبل از انقلاب، بیشتر تابع خلاقیت‌های فردی منتقدان و نیز میزان دانش زبانی و آشنایی آن‌ها با مبانی زبان‌شناسی روزگار خود بوده است.

زهرا زندی مقدم (۲۰۱۵.م.۱۳۹۴ش) در مقاله «معرفی و نقد کتاب زبان‌شناسی ایرانی، از دوره باستان تا قرن دهم هجری» به معرفی کتاب زبان‌شناسی ایرانی پرداخته و همچنین از دستاوردهای ایرانیان در رشته زبان‌شناسی و

شناساندن نقش ایرانیان مسلمان در تولید علم سخن گفته است.

فاطمه علوی و همکاران (۲۰۱۶.م.۱۳۹۵ش) در مقاله «بررسی زبان‌شناختی زاویه دید در داستان کوتاه "صراحت و قاطعیت" بر اساس الگوی سیمپسون» این پژوهش در پی تعیین نوع راوی و نوع وجهیت آن بر اساس الگوی سیمپسون است. همچنین داده‌ها بر اساس ابزارهای تحلیلی معرفی شده در نظریه، مورد تجزیه و بررسی قرار گرفته است.

گرچه پژوهش‌هایی با عنوان نقد زبان‌شناختی بر ترجمه نوشته شده؛ اما تا اکنون هیچ پژوهشی در باره رمان "اللیل فی نعمائه" در گستره زبان‌شناختی انجام نگرفته؛ بنابراین؛ پژوهش حاضر، پژوهشی نو و متفاوت است.

۳- خلاصه رمان "اللیل فی نعمائه"

رمان «اللیل فی نعمائه» نوشته زید عبدالشہید دحام عبدالله نویسنده، رمان نویس، شاعر، مترجم و ناقد جهان عرب است، که در سال (۲۰۱۶.م.۱۳۹۵ش) آن را تألیف کرده، وی در شهر سماوه عراق در سال (۱۹۵۳.م.۱۳۳۱ش) زاده شد. در سال (۱۹۸۳.م.۱۳۶۱ش) در رشته زبان انگلیسی در دانشگاه بغداد دانش‌آموخته شد. در دوران کودکی به ادب علاقه زیادی داشت و با کتاب‌های ادبی، مذهبی و فلسفی پدرش انس گرفت. زید الشہید عضو اتحادیه ادبی و نویسندگان عراق، اتحادیه ادباء عراق و اتحادیه نقابہ الفنانبین (هنرمندان خسته) است. او چهارده رمان نوشته و چند کتاب شعر نیز سروده است، اینک نیز مدرس زبان انگلیسی در دانشگاه بغداد است. زید الشہید از عنصر توصیف در رمان‌هایش به‌خوبی استفاده کرده به‌گونه‌ای که خواننده به‌هنگام خواندن رمان‌هایش احساس می‌کند که به‌تماشای یک فیلم نشسته است و حرکات و فراز و نشیب داستان را به‌طور کامل زیر نظر دارد. رمان‌های "اللیل فی علیائه"، "اللیل فی بهائه" و "اللیل فی نعمائه" از دیگر آثار اوست. و «ایلیا آل‌خمیس» مجسمه‌ساز، نویسنده، شاعر، نقاش، مترجم، مجری کارشناس رادیو، مدرس، کارشناس ارشد فلسفه و هنر و صاحب چند اثر شعری و داستانی، آن را در سال

(۲۰۱۸م. ۱۳۹۷ش) به عنوان "شب در زیباترین لحظاتهش" به فارسی ترجمه کرده و در نشر پوینده منتشر شده است.

این رمان، داستان عاشقانه‌ای را که در عراق روی داده، روایت می‌کند. موضوع داستان، عشق شاعری به نام «حزین» به دختری به نام «کیوتر» است. کیوتر که شخصیت اصلی داستان است؛ برای نوشتن زندگی عمه‌اش، به سرزمین دیگری مسافرت می‌کند. در این میان با شاعری آشنا می‌شود که زندگی وی را تحت تأثیر قرار داده و وقایع جالبی را رقم می‌زند. محوریت شخصیتی شاعر در این رمان، داستان را از تعبیر شاعرانه متناسب باحال و هوای رمان پر کرده است. رمان از خلال روایت داستانی عاشقانه به مکاشفه‌ای شاعرانه در درون و همچنین در خود عالم هنری می‌پردازد و به همین دلیل ارجاع به آثار هنری در این رمان به چشم می‌خورد. گاهی مؤلف در رمان، بعضی از صحنه‌ها را همانند جلوه‌های بصری و سینمایی روایت می‌کند که این گونه‌ای ترجمه میان‌نشانه‌ای است که از نقاط قوت رمان به حساب می‌آید. گرچه مضمون اصلی رمان، داستانی عاشقانه است؛ اما در کنار این موضوع برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی جهان عرب به خصوص جنگ عراق با ایران روایت شده است. همچنین مؤلف می‌خواهد تنفر و انزجار خود را از تجاوز ناجوانمردانهٔ یک انسان جاه‌طلب به خاک و میهن یک ملت، با نوشتن داستانی عاشقانه، بروز دهد.

۴- بحث و بررسی در بارهٔ زبان‌شناختی ترجمه رمان "اللیل فی نعمائه"

۱-۱-۴- ترجمه بین‌زبانی (نشانه‌های کلامی)

این نوع ترجمه همان ترجمه واقعی کلمه است، که مترجم معنی را از صورت یک زبان به صورت زبان دیگر انتقال می‌دهد و معمولاً محور مطالعات امروزی است. به طور قطع هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند به صورت کامل با متن اصلی برابر باشد؛ زیرا تعویض واژه‌ها و ساختار جمله بین متن مبدأ و مقصد، تفاوتی - هر چند جزئی - ایجاد می‌کند.

از دیدگاه زبان‌شناسی می‌توان گفت که هر زبانی در مقایسه با زبان‌های دیگر تفاوت‌های زیادی دارد (منافی اناری، م ۲۰۰۵ش. ۱۳۸۴: ۸۲). بنابراین در هر زبان، کلمات

مشابه و مترادف بار معنایی خاص خود را دارند. یک مترجم باید تعدیل‌های معنایی و ساختاری بسیاری را انجام دهد تا بتواند معنی درست و دقیقی از متن اصلی به زبان مقصد ارائه کند. در نوشته‌های ادبی سعی می‌شود تا خواننده روابط و مناسبات ظریف میان الفاظ را دریابد. به عبارت دیگر؛ از زبان برای زیبایی‌آفرینی استفاده می‌شود (ناظمیان، ۱۳۸۹: ۱۰). بنابراین ترجمه دقیق و روان در نقل متون ادبی کاربرد وسیعی دارد؛ زیرا مترجم افزون بر ترجمه الفاظ، به عبارات، معنا و مفهوم می‌بخشد. بدین معنا که اگر در جمله کنایه، استعاره، ضرب‌المثل و غیره به کار رفته باشد؛ آن را به‌زبانی قابل فهم بر می‌گرداند تا مقبول طبع همگان شود (معروف، م ۲۰۱۱ش. ۱۳۹۰: ۱۵).

ایلیا آل خمیس در ترجمه رمان «اللیل فی نعمائه» توانسته از این شگرد به‌خوبی استفاده کند و ترجمه بین‌زبانی دقیق و روانی ارائه دهد. با توجه به سیاق داستان، این نوع ترجمه (ترجمه بین‌زبانی) از نقاط قوت ترجمه مذکور به‌شمار می‌رود؛ که به‌بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱-۴- نقش ترجمه برون‌متنی در انتقال معنا

بنابر تعریف وینه و داربلنه^۵ (۱۹۵۸م. ۱۳۳۶ش) واحد ترجمه عبارت است از: «کوچکترین بخش عبارت که در آن وحدت میان اجزای تشکیل دهنده چنان است که نمی‌توان هر جزء را جداگانه ترجمه کرد». به عبارت دیگر: «ترجمه هر جزء به ترجمه جزء دیگر بستگی دارد». در گزینش واژه در ترجمه، باید معیار کلی مشابهی را، همانند آنچه که درباره سبک متن وجود دارد، رعایت کرد و از واژگانی برابر با واژگان متن اصلی، در ترجمه استفاده کرد، از جمله: فزوتتر استفاده از واژه‌های رایج در ساخت زبان و نثر فارسی و بکارگیری آن‌ها در ترجمه. در مواردی که در متن مبدأ از واژه‌ها یا عبارات خاص زبانی استفاده شده است، می‌توان از همانند آن‌ها در زبان فارسی بهره جست. (حدادی و صالحی‌کهریزسنگی، م ۲۰۱۶ش. ۱۳۹۵: ۲۹۴)

در موارد زیر ایلیا آل خمیس واژه‌های مشخص شده را همگام با سبک رمان و به‌صورت پیوسته ترجمه کرده است:

^۵ J.P.Vinay And J.Darbelnet

«فتجعلها بلا إتران» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۹) معنی ساده عبارت چنین است: باعث عدم تعادلش می‌شد؛ ایلیا آل خمیس این واژه را به‌خوبی و به‌صورت برون‌متنی چنین ترجمه کرده است: «راه رفتنش را ناموزون می‌کرد» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۴).

«فهی الألیق» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۹) ترجمه ساده این عبارت: او بهترین است؛ ایلیا آل خمیس به‌خوبی ترجمه کرده: «این دختر، خود زیبایی است» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۴) چنین ترجمه‌ای به‌دور از رعایت موارد صرفی و نحوی است به‌گونه‌ای که با سیاق یک داستان ادبی به‌خوبی ارتباط دارد.

«الخالی من بهرجة الطرازات الحدیثة» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۱۱) ترجمه روان عبارت: عاری از زرق و برق و به‌سبک جدید؛ ایلیا آل خمیس ترجمه جدید و زبان‌شناسانه ارائه داده است: «بدون دلک‌بازی دوره مدرن» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۶).

روشن است که زبان‌شناسی فرمال در راه فهم معنا، پا را فراتر از متن نمی‌گذارند یعنی در این راه، نگاه زبان‌شناسی فرمال تنها به‌متن و به‌عنوان نظامی بسته است، در حالی که در رویکرد زبان‌شناسی کاربردی جدای از نظام زبانی متن، برون‌متن (بافت) نیز در نظر گرفته می‌شود. در ترجمه موارد بالا، ایلیا آل خمیس تنها به‌معنی درون‌متنی اکتفا نکرده و بافت برون‌متنی و رویکرد زبان‌شناسانه را به‌خوبی رعایت کرده است.

۳-۱-۴- زبان‌شناسی فرمالیستی در فهم معنا

در جریان ترجمه اگر خواننده هنگام رویارویی با متن، با مواردی چون متکلم، مخاطب، پیام، مکان و نوع پیام (بخش‌هایی از بافت متن) ارتباط داشته باشد؛ یعنی اگر خواننده با شناختی از موارد یاد شده در جهت فهم متن بکوشد؛ در آن صورت شانس بیشتری برای فهم دقیق متن خواهد داشت. در موارد پایین ایلیا آل خمیس بخش‌هایی از بافت متن رمان را برای فهم بهتر معنا ترجمه کرده است:

«داخل مسارب الروح» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۲۱) معنی عبارت: «در دالان‌های جانش» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۱۴) که ضمیر به‌وضوح نمایان است.

«أنا لا أقدر علی صده» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۲۴) ترجمه عبارت: «من را یارای ایستادن در برابرش نیست» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۱۶) که به‌علت آمدن ضمائر، خواننده با بافت متن به‌خوبی ارتباط برقرار می‌کند.

ایلیا آل خمیس نیز در ترجمه موارد فوق، ضمائر را به‌خوبی برای خواننده معرفی کرده است. در چنین حالتی، خواننده معنی را بهتر فهم می‌کند و به‌خوبی در جریان داستان قرار می‌گیرد.

۴-۱-۴- نقش بافت در فهم و انتقال معنا

پژوهش‌های زبان‌شناختی مدرن به‌دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: نخست؛ پژوهش‌های فرمالیستی که به‌مطالعه زبان در چهار چوب نظام بسته زبانی و به‌دور از بافت متن می‌پردازد که بیشتر در مطالعات صرفی و نحوی خلاصه می‌شود. دوم؛ پژوهش‌های زبان‌شناسی کاربردی که مطالعه زبان را در ارتباط با بافت متن (به‌ویژه کاربران آن) مورد توجه قرار می‌دهد. پژوهش‌های نوع دوم بیشتر در نظریه‌هایی مانند: تحلیل گفتمان، کاربردشناسی زبان و جامعه‌شناسی زبان حضور دارد.

اصطلاح تغییر را نخستین بار کتفورد^۶ (۱۹۶۵) در چارچوب نظریه زبان‌شناختی ترجمه به‌کار برده است. از این دیدگاه، تغییر در سطح کلمات و نحو به‌چارچوب جمله محدود می‌شود. از نظر کتفورد، تغییر وقتی صورت می‌گیرد که کلمه یا ساختار متن مبدأ، همانندی در زبان مقصد ندارد و مترجم ناگزیر از انجام دگرگونی است (خزاعی‌فر، م ۲۰۰۹: ۱۳۸۸: ۱۳). در مثال‌های زیر ایلیا آل خمیس با زیرکی توانسته است بهترین تغییر را در واژه یا بخشی از جمله ایجاد کند و ترجمه را رسا و ادبی جلوه دهد:

«الأنف الدقیق» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۲۰) واژه الدقیق در فرهنگ لغت به‌معنی نازک و باریک آمده است؛ در ترجمه آمده: «بینی کوچک ظریف تراشیده شده» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۱۳) ایلیا آل خمیس این جمله را همگام با بافت متن و جامعه‌شناسی امروزی مناسب با رمان ترجمه کرده است.

^۶ Catford

«حرکة طفولیة رائعة» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۳۱) ترجمه عبارت چنین است: حرکات بچگانه جالب؛ در ترجمه آمده: «طنازی» (آل خمیس، ۲۰۱۳: ۲۱) که ترجمه‌ای بلیغ، رسا، کاربردی و همگام با جامعه‌شناسی زبان است.

«انصرافا للوقت» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۳۵) ترجمه عبارت به صورت ساده چنین است: وقت گذرانی؛ اما در ترجمه آمده: «گپ زدن» (آل خمیس، ۲۰۱۳: ۲۴) این یک نوع ترجمه جدید و رایج در زبان محاوره‌ای است که معنا را به خوبی به خواننده انتقال می‌دهد.

«عین الصواب» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۷۳) ترجمه عبارت در فرهنگ لغت: راست‌گفتی، ایلیا آل خمیس به خوبی ترجمه کرده: «زدی به هدف» (آل خمیس، ۲۰۱۳: ۵۵) این ترجمه نوعی ترجمه اصطلاحی و کاربردی یک ضرب‌المثل است که در جامعه‌شناسی زبان کاربرد دارد.

ایلیا آل خمیس در ترجمه موارد یاد شده، از پژوهش‌های زبان‌شناسی کاربردی در ارتباط با بافت متن بهره برده و بیشتر به‌گفتمان و زبان جامعه‌شناسی رمان اهمیت داده است و واژه‌ها را کاربردی و با توجه به نوع بافت متن ترجمه کرده است. همچنین وی، از پس ترجمه چنین واژه‌هایی به خوبی برآمده و عبارات، کلمات ادبی، بلاغی و ضرب‌المثل‌ها را در جای مناسب و به خوبی ترجمه کرده است. می‌توان گفت که این نوع ترجمه از نقاط برجسته و قوت این ترجمه بوده و ترجمه را قابل فهم، رسا، بلیغ و مخاطب پسند کرده است.

۱-۲-۴- ترجمه میان‌نشانه‌ای (توصیفی)

زیباترین نوع ترجمه، ترجمه ادبی است؛ زیرا مترجم مناسب‌ترین و خوش‌آهنگ‌ترین واژگان را بر اساس ذوق ادبی خود برمی‌گزیند (معروف، ۲۰۱۳: ۱۶). در متن‌های توصیفی، زبان ابزاری است برای توصیف احساس یا صحنه و یا حادثه‌ای خاص. قدرت توصیف در چنین متن‌هایی گاهی به گونه‌ای است که خواننده می‌تواند ویژگی‌های بسیار دقیق و جزئی مربوط به صحنه یا رویداد را در ذهن خود مجسم کند (ناظمیان، ۲۰۱۰: ۳). (ش. ۱۳۸۹: ۳).

برخی از متون ادبی به صورت بیانی یا عاطفی نوشته می‌شوند. مترجمان از کارکرد هنری و زیبایی‌شناختی زبان

استفاده می‌کنند تا بر مخاطب تأثیر عاطفی فزونتری بگذارند. در این متون، افکار و حالات نویسنده و جنبه صوری متن مورد تأکید قرار دارد. به‌هنگام ترجمه این متون، متن مقصد باید ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناختی متن مبدأ را انتقال دهد و بیان افکار و حالات عاطفی نویسنده را با تأثیری که متن به‌لحاظ عاطفی دارد، بازسازی کند (ناظمیان، ۲۰۱۶: ۱۳۹۵: ۱۹۱).

۲-۲-۴- ارتباط زبان و گفتار با زمان و مکان در بافت متن

از دیگر موارد تغییر، تغییر عناصر متفاوت فرهنگی است. از آنجا که در هر زبان، کلمات و تعبیرات در دامن فرهنگ آن زبان به وجود می‌آید، و در همان فرهنگ معنی می‌یابد، نمی‌توان گفت در برابر هر کلمه در یک‌زبان کلمه‌ای همانند (با تمامی جنبه‌های معنایی و بار فرهنگی آن) در فرهنگی دیگر وجود دارد. پس، از این دیدگاه کلی، ترجمه ادبی؛ ترجمه از یک زبان به‌زبانی دیگر نیست، بلکه ترجمه یک فرهنگ به‌فرهنگی دیگرست (خزاعی‌فر، ۲۰۰۹: ۱۳۸۸: ۱۷). از فواید کاربردشناسی این است که می‌توان در باره معنای مورد نظر افراد، اهداف و انگیزه‌ها، افکار و کنش‌های آنان نیز بحث کرد، از معایب کاربردشناسی این است که بررسی و واکاوی عینی از مفاهیم انسانی یادشده کاری دشوار است، اگرچه خوشبختانه کاربران تا حدودی روش‌های قاعده‌مندی را در به‌کارگیری زبان به‌کار می‌گیرند. در مثال‌های زیر ایلیا آل خمیس در بافت متن، ارتباط بین زبان و مکان را به خوبی ترجمه کرده است:

«و کم من مره صعدا زورقا طاف بهم المسافه بعیده ثم یعودان مفعمین بالحبور و عطر الخزامی تفحه النباتات من مخادع ورودها البنفسجیه» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۵۶) ترجمه توصیفی: «چه بسیار که با قایق‌های تفریحی به‌دور دست‌ها می‌رفتند به‌جایی که تنها گیاه بود و نیزار، جلبک‌ها، عطر جلبک‌ها و گل‌های بنفشه را با خود به‌ساحل می‌آوردند» (آل خمیس، ۲۰۱۳: ۴۲). از نظر معناشناسی انواع بافت عاطفی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. ایلیا آل خمیس در ترجمه این موارد به خوبی عمل کرده است.

«طالع النهر الذی بدأ متدثرا بالعمه، تستفزه من الضفه الأخری مصابیح تحاول إيقاظه فلم يستجب» (زید الشهید، ۹۴:۲۰۱۶) ترجمه: «به‌دقت به‌رود که خود را جمع کرده بود نگاه کرد که از آن سو چراغ‌های روشن سعی در بیدار کردنش داشتند» (آل خمیس، ۶۹:۱۳۹۷) ایلیا آل خمیس تحلیلی عینی از مفاهیم انسانی را به‌شکل توصیفی (جان بخشیدن به‌اشیاء) در ترجمه به‌کار برده است.

«فی غرفة أذهلتنی بهرجتها بما أحتوت من أثاث فاخر و ستاره حریر مخفوفه بالساتان البراق و نافذه ستطعننی فی الصباح علی حدیقہ یحتشد فیها ورد الجوری الدموی والوردی» (زید الشهید، ۱۰۲:۲۰۱۶) ترجمه: «و اتاقی که زیبایی اسباب و وسایلش هر زنی را مدهوش می‌کرد. پنجره‌ای که مرا هر صبح به‌باغچه گل‌های رز و محمدی می‌برد» (آل خمیس، ۷۵:۱۳۹۷) ایلیا آل خمیس به‌صورت کاربردشناسی، زبان و گفتار را با هم آورده و ترجمه توصیفی خوبی از متن ارائه کرده است.

در نمونه‌های مذکور، ایلیا آل خمیس با توجه به‌فرهنگ زبان مبدأ و مقصد به‌خوبی متن‌های توصیفی - تحلیلی را در زبان مبدأ، با همان اهداف و انگیزه‌های موجود، ترجمه کرده و از مفاهیم انسانی یاد شده تحلیلی عینی و کاربردی ارائه داده و در ترجمه کاربردشناسی به‌نوعی بافت مورد نظر معناشناسی را به‌کار برده و به‌خوبی حس توصیفی و هنری را به‌خواننده انتقال داده است.

۵- بحث و بررسی شگردهای ترجمه به‌کار رفته در ترجمه رمان "اللیل فی نعمانه"

۵-۱- معادل‌یابی

یکی از اصول مهمی که در هر ترجمه‌ای مطرح می‌شود، انتخاب معادل‌های دقیق و مناسب در برگرداندن پیام از زبان مبدأ به‌زبان مقصد است که با عنوان معادل‌یابی ذکر می‌شود؛ بدین معنی که مترجم مفهوم یا پیام را از جمله و ساختاری که نویسنده پیام مورد نظر خود را از طریق آن بیان کرده، می‌گیرد و آن را از طریق جمله یا ساختاری که در زبان مقصد، قابل قبول باشد، به‌خواننده خود ارائه می‌دهد. مترجم در کار ترجمه می‌تواند تغییرهایی که مقصد و هدف را عوض نمی‌کند، ایجاد نماید؛ بلکه با این کار شیوه رسیدن

به‌هدف را متنوع می‌کند و باعث می‌شود خواننده با سرعت، انگیزه و تحسین بیشتری متن را بخواند (ناظمیان، م ۲۰۱۳، ش ۱۳۹۲: ۱۶).

با استفاده از شگرد معادل‌یابی مترجم عبارت متن اصلی را به‌عبارتی ترجمه می‌کند که تأثیری مشابه عبارت اصلی در ترجمه ایجاد می‌کند؛ اما عبارت ترجمه شده، نه بیان عبارت اصلی با ساخت دستوری متفاوت است و نه بازگویی عبارت اصلی به‌زبانی روان‌تر و طبیعی‌تر و با بیان دیگر است (خزاعی فر، م ۲۰۱۳، ش ۱۳۹۲: ۴۱).

طبق این تعاریف هر چه از شگردهای ترجمه، بیشتر استفاده بکنیم ترجمه‌ای شیوا و رسا خواهیم داشت، ایلیا آل خمیس در ترجمه رمان "اللیل فی نعمانه" معادل‌یابی پویا را کمتر به‌کار برده و باعث شده است تا بار ادبی داستان پایین بیاید. در این‌جا به‌چند نمونه از مواردی که، معادل‌یابی پویا کمتر مورد استفاده قرار گرفته، اشاره می‌شود:

«نساننا حرث لنا» (زید الشهید، ۱۱:۲۰۱۶) ترجمه شده: «زنان ما زمین‌های ما هستند» (آل خمیس، ۷:۱۳۹۷) ترجمه جایگزین: زنان ما کشتزار ما هستند. با توجه به‌تفاسیر معنی کلمه حرث یعنی کشتزار، بهتر و مناسب‌تر نسبت به‌زمین است، چون زمین بار منفی و مکاسبی دارد، اما کشتزار بار مثبت و برداشت معنوی دارد.

«الحوش الواسعه» (زید الشهید، ۳۳:۲۰۱۶) ترجمه شده: «حیاط درن‌دشت» (آل خمیس، ۲۴:۱۳۹۷) در چنین ترجمه - های عامیانه‌ای، مخاطب درک مطلوبی از متن نداشته و باید ترجمه مناسبی را جایگزین کرد تا قابل فهم باشد. ترجمه جایگزین: حیاط بزرگ و وسیع.

«وضعوا جدولاً» (زید الشهید، ۴۲:۲۰۱۶) ترجمه شده: «برنامه ریختند» (آل خمیس، ۳۱:۱۳۹۷). ترجمه جایگزین: برنامه‌ای تنظیم کردند. کلمه ریختند بیشتر بار معنایی مادی و ملموسی دارد و برای مایعات استفاده می‌شود؛ اما واژه تنظیم کردند معنی بهتر و مناسبی با متن دارد.

«الدوريات الليلية» (زید الشهید، ۹۷:۲۰۱۶) ترجمه شده: «ناطورهای شبانه» (آل خمیس، ۷۲:۱۳۹۷) این نوع ترجمه

مربوط به ادبیات کهن بوده و بهتر است با واژه جدید جایگزین شود. ترجمه جایگزین: گشت‌های شبانه.

هر مترجمی باید روشن کند تا چه میزان در اثر ادبی، شخصیت خود را بی آنکه با مقصود مؤلف اصلی اثر تناقض داشته باشد، در روند ترجمه دخالت خواهد داد و این امر همان چیزی است که می‌توان به‌عنوان «حس ترجمه» یاد کرد. در نمونه‌های مذکور به‌وضوح نمایان است که در ترجمه به‌خوبی از واژه‌های مناسب زبان‌شناختی و شگرد ترجمه، استفاده نشده است؛ در نتیجه نوعی کمبود و نقصان در ترجمه دیده می‌شود که باید با واژه‌های ادبی، رسا، بلیغ و در عین حال مناسب با متن رمان جایگزین شود. تا خواننده احساس کند، روایت واقعی عاشقانه‌ای را می‌خواند که اتفاق افتاده است.

۲-۵- ترجمه تحت‌اللفظی

هر چند دسته‌بندی‌های متعددی از روش‌های مختلف ترجمه ارائه شده است، اما در نگاهی کلی، بیشتر این تقسیم‌بندی‌ها حول محور دو روش کلی در فرایند ترجمه‌اند: ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه آزاد؛ البته این نوع تقسیم‌بندی‌ها با عناوین دیگری نیز به‌کار رفته است. کتفورد (۱۹۶۵) دو نوع ترجمه وابسته و آزاد را معرفی می‌کند. نیومارک (۱۹۸۱) اصطلاحات ترجمه معنایی و انتقالی را به‌کار می‌برد و نایدا (۱۹۶۴) از دو نوع ترجمه صوری و پویا یاد می‌کند. در ادبیات به‌دلیل داشتن زبان خاص و مفاهیم عمیق، به‌گزینش دقیق‌تری از میان دو روش یاد شده نیاز است. از آنجایی که ادبیات با روح و زندگی مردم در ارتباط است، باید روشی را به‌کار برد که بیشترین تأثیر را در خواننده ایجاد کند (اکبری و دیگران، ۲۰۱۳م.ش ۱۳۹۲:۱۰۰).

ترجمه تحت‌اللفظی به‌دلیل نارسا بودن، نسبت به‌دیگر گونه‌های ترجمه از مقبولیت کمتری برخوردار است و زبان‌هایی نیز بر آن مترتب است. در این نوع ترجمه، مترجم بیشتر در معرض تأثیرپذیری از ساختار دستوری زبان مبدأ است، که این کار صدمه بزرگی بر ساختار زبان مقصد وارد می‌کند (معروف، ۲۰۱۱م.ش ۱۳۹۰:۱۲). ایلیا آل خمیس در ترجمه رمان "اللیل فی نعمائه" بعضی از واژه‌ها را به‌صورت

تحت‌اللفظی ترجمه کرده که باعث شده مفهوم داستان به‌خوبی انتقال داده نشود و به‌معادل‌های مناسبی نیاز است تا ترجمه گنگ و نامفهوم نباشد. در این‌جا به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«خلعت عن رأسها شالا» (زید الشهید، ۲۰۱۶:۲۰) ترجمه شده: «و شالش را از روی سرش برداشت» (آل خمیس، ۱۳۹۷:۱۳) معادل مناسب و پیشنهادی: و روسری را برداشت.

«سیمفونیة» (زید الشهید، ۲۰۱۶:۵۶) ترجمه شده: «سمفونی» (آل خمیس، ۱۳۹۷:۴۱) ترجمه مناسب و امروزی: کنسرت (قطعه موسیقی).

«کرنفالا» (زید الشهید، ۲۰۱۶:۶۷) ترجمه شده: «کارناوال» (آل خمیس، ۱۳۹۷:۵۱) ترجمه مناسب، شیوا و قابل فهم: کاروان شادی.

«دشداشه» (زید الشهید، ۲۰۱۶:۱۰۸) ترجمه شده: «دشداشه» (آل خمیس، ۱۳۹۷:۸۰) ترجمه مناسب و قابل فهم: عبا (لباس نخی بلند).

معادل‌های قالب‌پذیر، معادل‌هایی‌اند که اصولاً دارای ویژگی ثابت و همیشگی می‌باشند و می‌توان مستقل از شرایط، همین معادل‌ها را انتخاب کرد که در شرایط مختلف قابل استفاده‌اند؛ مانند همه اسامی خاص، اعداد، ارقام. بنابر این؛ واژه‌های شال، سمفونی، کارناوال و دشداشه همگی اسم خاص‌اند و در برخی از فرهنگ‌ها قابل فهم نیستند و باید با کلمه مناسب با متن مقصد تعدیل شوند تا قابل فهم شده و معنی را به‌صورت کامل برسانند.

۳-۵- نقش تعدیل با توجه به‌بافت جمله

معادل‌سازی برای تعبیر، بیشتر با توجه به‌بافت جمله صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که مترجم ببیند در قالب بیانی یا ساختاری که در زبان فارسی برای ترجمه جمله عربی انتخاب می‌کند، چه معادلی برای تعبیر مورد نظر، مناسب‌تر است.

روش لفظ‌به‌لفظ، روشی افراطی در ترجمه است که جز برای مقاصد آموزشی با ترجمه متونی خاص باید از آن پرهیز کرد. متنی که به‌این روش ترجمه شده باشد، ترجمه

بودن آن به سادگی قابل تشخیص است؛ زیرا در این روش ویژگی‌های نحوی زبان مبدأ، برای مثال؛ ساختارها یا ترتیب اجزای کلمات، به ترجمه انتقال می‌یابد و نیز اصطلاحات، ترکیبات و ازگانی و تعبیرات نویسنده لفظ به لفظ ترجمه می‌شود (خزاعی فر، م ۲۰۰۹، ش ۱۳۸۸: ۲۱). در مثال‌های زیر این نوع ترجمه لفظ به لفظ در ترجمهٔ رمان "اللیل فی نعمائه" به وضوح دیده می‌شود:

«هبط إلى الأرض» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۱۸) ترجمهٔ تحت‌اللفظی موجود در متن: «به زمین هبوط کرده است» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۱۱) اما ترجمهٔ مناسب و جایگزین: به طرف زمین پایین آمده است.

«إن الصداقه لصله موده» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۲۳) ترجمه شده: «دوستی سببی از مودت است» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۱۵) ترجمهٔ مناسب و ادبی: دوستی پیوند محبت است.

«العلیله» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۴۶) ترجمه شده: «علیل» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۳۴) ترجمهٔ مناسب و قابل فهم و روان با سیاق داستان: ناتوان.

پایبندی بیش از حد مترجم به واژگان متن اصلی بدون توجه به مفهوم آن، ترجمه را نامفهوم و غیر قابل درک می‌کند. برخی از این نوع ترجمه‌ها به اندازه‌ای نا مانوس است که خواننده را دچار سردرگمی می‌کند (معروف، م ۲۰۱۱، ش ۱۳۹۰: ۱۳). واژه‌های هبوط، مودت و علیل، به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده و اولین معنی بوده که به ذهن مترجم آمده است و اگر مترجم در لایه‌های ذهن خود مقداری کندوکاو و جستجو می‌کرد به معادل‌یابی در سطح اولین لایهٔ ذهن اکتفا نمی‌کرد بلکه با جستار در گنجینهٔ حافظه، معادل‌هایی زیبا و مناسب‌تری را می‌آورد.

آرایش نحوی زبان‌ها با هم تفاوت دارد و امکان ندارد ترجمهٔ لفظ به لفظ همهٔ بخش‌های یک متن، قابل فهم و رسا باشد. نشان دادن ساختار و ازگانی و نحوی زبان مبدأ در زبان مقصد به طور قطع به قیمت نارسایی مفهومی و پیامی آن متن تمام خواهد شد و هر مترجم از این امر که «پیام در چار-چوب‌های مانوس درک شود، نه در ساختارهای کاملاً غریبه» با خیر است (صلح‌جو، م ۲۰۰۹، ش ۱۳۸۸: ۵۲). عبارت

پایین مصداق همین مطلب است که در ترجمه آمده و باعث شده تا بار ادبی ترجمه پایین بیاید و بایسته است که واژه مناسب با فرهنگ متن مقصد جایگزین شود تا ترجمه، بلیغ و رسا باشد:

«بطنک یکبر» (زید الشهدی، ۲۰۱۶: ۱۰۷) ترجمه شده: «شکمت بالا آمده» (آل خمیس، ۱۳۹۷: ۷۹) ترجمهٔ مناسب و بلیغ: بچه‌دار شده‌ای.

با توجه به زبان‌شناختی و شگردهای ترجمه، ترجمهٔ عبارات به صورت تحت‌اللفظی بیشتر در بارهٔ متون علمی، دینی و حقوقی کاربرد دارد. ترجمهٔ تحت‌اللفظی رمان، نوعی اشتباه ادبی است؛ برخی از این خطاها را در این گونه ترجمه‌ها را آشکارا می‌نگریم که باید برای کاستن از خطاها؛ واژه‌های مناسب و ادبی زیبا و مناسب با سیاق متن را جایگزین کنیم تا ترجمه‌ای شیوا و ادبی به دست آید و مخاطب از خواندن داستان خسته نشود.

۴-۵- حذف

در برخی از متون به ویژه متون ادبی، جمله‌های طولانی و پیچیده از ویژگی‌های نگارشی نویسنده و مربوط به سبک اوست. در این صورت اگر رعایت سبک نویسنده برای مترجم، در درجهٔ اول قرار داشته باشد؛ مترجم برای رعایت سبک، از تقطیع جمله اجتناب می‌ورزد و ساختار متن مبدأ را حفظ می‌کند (ناظمیان، م ۲۰۱۰، ش ۱۳۸۹: ۵۳). جدا کردن، حذف کردن و یا ترجمه نکردن بخشی کوچک از یک متن به طوری که به معنی داستان آسیب نرساند؛ نوعی تقطیع به حساب می‌آید که میان مترجمان رایج بوده و آثار و پیامدهای آن بویژه در متون دینی، مورد توجه و دغدغهٔ زبان‌شناسان بوده است. تقطیع در بعضی از موارد به صورت حذف کلمه و در برخی به صورت حذف جمله صورت می‌گیرد. گاهی تقطیع جمله، باعث نامفهومی و گنگی ترجمه و در برخی از حالات باعث پاره شدن رشتهٔ کلام و در نتیجه از دست رفتن معنی اصلی داستان می‌شود. در این صورت معنی، به نحوی که در متن مبدأ است، به خوبی انتقال داده نمی‌شود؛ و ترجمه‌ای نارس و نامفهومی بدست می‌آید. در ترجمهٔ رمان "اللیل فی نعمائه" ایلیا آل خمیس بعضی از

جمله‌ها را خواسته یا ناخواسته حذف کرده، و آن‌ها را ترجمه نکرده است؛ که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«بتقریع دواخله له، مدینه فضوله و رافضة الارتماء فی هوة البلة عبر أسئلة لا وجوب لها وترك الكلام الذی یراه إجابة لتفوه هی به لا هو» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۹۱).

«و علی الأرض مس الکعبان الأبيضان العالیان الأرض المرمریة» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۱۰۲).

«وجد الرغبة الجارفة فی أشباع عینیه بفاکھة جسدی فأروح أتعری و أخطو فنکون بذلک کمن یعیشون طقسا خرافیا اعجازیا» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۱۱۵).

«قبلة واحدة من شفتی حبیب لرواء لا حدود له» (زید الشهید، ۲۰۱۶: ۱۲۹).

در برخی موارد نیز، مترجم با شرایطی مواجه می‌شود که باید بخشی از متن را، چه در سطح واژگان و چه در سطح عبارات و جملات، حذف کند. معمولاً حذف برخی قسمت‌های جمله زمانی موجه شمرده می‌شود که مترجم آن موارد را برای خواننده خود واضح یا تکراری و خسته‌کننده تشخیص دهد. موارد حذف در ترجمه خوب بسیار محدود، حتی نادر است و مترجم وفادار جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند، چرا که حذف بی‌رویه؛ عمده‌ترین عیب ترجمه محسوب می‌شود (کمالی، ۱۹۹۳ م. ش ۱۳۷۲: ۳۰-۲۲).

ایلیا آل خمیس در ترجمه رمان "اللیل فی نعمائه" چندین جمله را حذف کرده یا ترجمه نکرده است. شاید ترجمه بعضی از جمله‌های موجود در متن اصلی این رمان، مناسب با فرهنگ زبان مقصد نباشد؛ اما در ترجمه یک داستان عاشقانه، طبیعی است که بعضی از واژه‌ها و جملات عاشقانه وجود داشته باشد و حذف چنین جمله‌هایی در ترجمه، نوعی نقص و کمبود در ترجمه به‌شمار می‌رود که موجب گنگی و نامفهوم بودن داستان می‌شود. در ترجمه یادشده، چنین نقص‌هایی دیده می‌شود. حذف جملات عاشقانه در رمان باعث می‌شود تا ترجمه غیر ادبی و نارسا جلوه کند..

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که ایلیا آل خمیس به‌خوبی متن‌های توصیفی-تحلیلی را با بیان جزئیات؛ همانند نمایشی زنده برای مخاطب به‌تصویر کشیده است و می‌توان گفت که از نظر زبان‌شناختی، ترجمه توصیفی خوبی ارائه داده و داستانی شیوا و قابل فهم به مخاطب ارائه داده است. ایلیا آل خمیس در ترجمه این رمان از شگردهای ترجمه مثل؛ جایگزینی، همانندسازی و معادل‌یابی کم استفاده کرده و بعضی از واژه‌ها را تحت‌اللفظی ترجمه کرده و باعث پایین آمدن بار ادبی و هنری رمان شده است. حتی در ترجمه برخی از واژه‌ها، کلماتی به‌کار برده که مناسب با یک متن ادبی، از نوع توصیفی-تحلیلی نیست. همچنین برخی از جملات موجود در متن مبدأ حذف و یا اصلاً ترجمه نشده و این کار به‌متن اصلی صدمه وارد کرده و ترجمه را گنگ و نامفهوم جلوه داده است که نوعی کمبود و نقصان در داستان است. همچنین ایلیا آل خمیس، ترجمه ادبی مناسبی از لحاظ شگردهای ترجمه ارائه نداده است و واژگان بسیاری در ترجمه موجودند که به‌بازبینی و جایگزینی نیاز دارند تا ترجمه‌ای ادبی، رسا، بلیغ و مخاطب‌پسند بدست آید.

بایسته‌است که در چاپ‌های جدید بازنگری کلی صورت گرفته تا کاستی‌های زبان‌شناختی ترجمه برطرف شود و از شگردهای ترجمه به‌صورت مناسب در این ترجمه استفاده شود؛ در این حالت است که یک داستان عاشقانه واقعی و ادبی به‌دست می‌آید و خواننده از خواندن آن لذت می‌برد.

منابع و مأخذ

«قران کریم»

۱. آل خمیس، ایلیا، (۱۳۹۷) شب در زیباترین لحظاتش، ایران، تهران، نشر پوینده، چ ۱.
۲. البستانی، فوادافرام، (۱۳۷۹) فرهنگ عربی-فارسی ترجمه: منجد الطلاب، ترجمه: بندر ریگی، محمد، ایران، تهران، انتشارات حر با همکاری نشر سبحان، چ ۲.
۳. اکبری، امید و محمودی، نجمه و گوگلانی، گوهرشاد (۱۳۹۲) «بررسی کارآیی دو شیوه ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد از دید خوانندگان».

۴. ترکاشوند، فرشید، (۱۳۹۲) «تبادل بافتی در ترجمه از عربی به فارسی با رویکرد کاربردشناختی» ایران، قزوین، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ش ۷، سال ۳.
۵. ترنس، پارس (۱۳۹۶) «بازنگری تکنیک‌های ترجمه: رویکردی عملی و پویا» ایران، شیراز، سایت ترجمه تخصصی پارس ترنس، Parstrans.net@gmail.com
۶. جلالی‌پور، بهرام (۱۳۸۶) «روش‌ها و اصطلاحات مورد استفاده در تقطیع متون نمایشی»
۷. حدادی، محمدحسین و صالحی‌کهریزی‌سنگی، عباسعلی (۱۳۹۵) «بررسی تحلیلی خطاهای موجود در ترجمه متون ادبی با هدف بهبود آموزش و توانش ترجمه ادبی» ایران، تهران، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۶، شماره ۲
۸. خزاعی‌فر، علی (۱۳۷۰) «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه (۱)» فصل‌نامه مترجم، ش ۳.
۹. خزاعی‌فر، علی (۱۳۷۰) «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه (۲)» فصل‌نامه مترجم، ش ۴.
۱۰. خزاعی‌فر، علی (۱۳۸۸) ترجمه متون ادبی، ایران، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. دوستی‌زاده، محمدرضا و بدیعی، سیده‌ادی (۱۳۹۶) «آموزش ترجمه: تحولات، پتانسیلها و محدودیتهای کار گروهی در ترجمه» ایران، تهران، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبانهای خارجی، دوره ۷، شماره ۲
۱۲. زرکوب، منصوره و صدیقی، عاطفه (۱۳۹۲) «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه کتاب الترجمة و أدواتها» ایران، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ش ۸.
۱۳. الشهید، زید، (۲۰۱۶) اللیل فی نعمائه، سوریه، دمشق، نشر دار أمل الجديدة، چ ۱.
۱۴. صلح‌جو، علی (۱۳۸۸) گفتمان و ترجمه، ایران، تهران، نشر مرکز، چ ۵.
۱۵. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۵) روش‌شناسی مطالعات دینی، ایران، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۹.
۱۶. کمالی، جواد (۱۳۷۲) «حذف و اضافه در ترجمه» ایران، اهواز، فصلنامه علمی-فرهنگی مترجم، ش ۳، ۱۲، ۱۱.
۱۷. گنجیان خناری، علی (۱۳۹۷) «واکاوی چالش‌های ترجمه ادبی: بررسی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده» ایران، تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۸، ش ۱۸.
۱۸. معروف، یحیی (۱۳۹۰) «فن ترجمه» ایران، کرمانشاه، دانشگاه رازی، چ ۹.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰) تفسیر نمونه، ایران، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۰. منافی اناری، سالار (۱۳۸۴) «رویکردی زبان‌شناختی به ترجمه»
۲۱. مهدی‌راد، محمدعلی و دلبری، سیدعلی (۱۳۸۹) «بررسی تقطیع نادرست در روایات»
۲۲. ناظمیان، رضا (۱۳۸۹) فن ترجمه، ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، چ ۴.
۲۳. ناظمیان، رضا (۱۳۹۵) «راهبردی زبان‌شناختی در ترجمه قرآن از دیدگاه نقش‌های زبان» فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۳، ش ۵.
۲۴. ناظمیان، رضا و قربانی، زهره (۱۳۹۲) «از تعدیل تا معادل‌یابی» فصلنامه علمی-پژوهشی ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۳، ش ۹.